

اطلاعیه به مناسبت پیام‌های تسلیت (صفحه ۱۴) گزارش مراسم یادمان رفیق علی صادقی (صفحه ۱۴)	شعری به یاد علی صادقی (صفحه ۱۲) پیام همسر و دختر رفیق علی صادقی (صفحه ۱۳) پیام محسن رضوانی (صفحه ۱۳)	پیام ایکور (صفحه ۷) پیام رفقای ایران (صفحه ۷) پیام رفقای افغانستان (صفحه ۸) پیام‌های رفقا و دوستان (صفحه ۸)
اطلاعیه شماره ۱ حزب رنجبران ایران به اطلاع عموم می‌رسانیم که ساعاتی پیش رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم)، دبیر اول حزب رنجبران ایران، درگذشت. این ضایعه بزرگ را به خانواده او، به‌ویژه همسر و دختر ایشان که تا آخرین دقایق در کنار وی بودند، و همچنین به کلیه رهروان جنبش کمونیستی تسلیت می‌گوییم. حزب رنجبران ایران ۹ اسفند ۹۹۳۱	اطلاعیه شماره ۲ حزب رنجبران ایران رفیق علی صادقی در روز پنجشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۷ شمسی برابر با ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹ میلادی در سن ۸۱ سالگی، پس از چند ماه جدال سخت با بیماری، درگذشت. یادش را بس گرمی می‌داریم و از او می‌آموزیم. مرگ او برای جنبش کمونیستی و کارگری، برای حزب رنجبران ایران، رفقا، دوستان و خانواده‌اش بسیار سنگین و دردآور است. مرگ او چون کوه دماوند سنگین است. رفیق علی صادقی در چکنه، دهی در استان خراسان، در سال ۱۳۱۶ در خانواده‌ای فرهنگی زاده شد و پس از طی مسافتی طولانی، امروز به خاطر وجود دیکتاتوری سیاه رژیم سرمایه‌داری حاکم بر ایران - <i>یاد رفیق علی صادقی برای همیشه در خاطره حزب باقی خواهد ماند</i>  <i>چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است</i> صفحه ۲	مرگ او برای جنبش کمونیستی و کارگری، برای حزب رنجبران ایران، رفقا، دوستان و خانواده‌اش بسیار سنگین و دردآور است. مرگ او چون کوه دماوند سنگین است. رفیق علی صادقی در چکنه، دهی در استان خراسان، در سال ۱۳۱۶ در خانواده‌ای فرهنگی زاده شد و پس از طی مسافتی طولانی، امروز به خاطر وجود دیکتاتوری سیاه رژیم سرمایه‌داری حاکم بر ایران -
پیام احزاب و سازمان‌ها به مناسبت درگذشت رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) با کمال تأسف اطلاع یافتیم رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم)، دبیر اول حزب رنجبران ایران، روز گذشته پنجشنبه نهم آسفندماه برابر با ۲۸ فوریه درگذشت. حزب کار ایران (توفان) درگذشت دکتر علی صادقی، دبیر اول حزب را به خانواده و رفقا و یارانش صمیمانه تسلیم عرض می‌کند و برایشان صبر و پایداری آرزومند است. حزب کار ایران (توفان) جمعه دهم اسفند ۱۳۹۷ صفحه ۵	سخنان ظاهر پرتوی در مراسم یادبود در هامبورگ نرمش هرروزه، مطالعه و کار شبانه‌روزی، و انضباط. او به مفهوم واقعی یک آموزگار و مربی سیاسی بود. برخوردهایش همیشه با نکته‌ای قابل تعمق و تفکر همراه بود. کاک ابراهیم از آن دسته رهبران جنبش کمونیستی در ایران بود که نه تنها اندیشه‌ای پربرار، بلکه زندگی‌ای پرحادثه در مبارزه طبقاتی داشت. او در بسیاری از زمینه‌ها سمبل و نماینده کمونیستی پیگیر و استوار در راستای تلاش جنبش کمونیستی و حزب رنجبران برای جمع‌بندی از گذشته، تلاش برای تغییر دنیای ستمگر و استثمارگر سرمایه‌داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی بود. ما یاد انسانی شرافتمند و متعهد را گرمی می‌داریم که تا آخرین لحظات زندگی، قلب مهربانش برای آزادی طبقه کارگر و زحمت‌کشان و علیه بی‌عدالتی صفحه ۳	رفیق علی صادقی؛ کمونیستی پرتحول در اندیشه قبل از همه، درگذشت رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم)، چهره شناخته‌شده و یکی از رهبران حزب ما و جنبش کمونیستی ایران را به خانواده رفیق، یاران، همزمان و دوستانش تسلیت می‌گوییم. او ساعت ۱۱ شب نهم مارس ۲۰۱۹ در بیمارستانی در سوئد درگذشت. صحبت از کاک ابراهیم برای من کاریست سخت؛ زیرا او در مبارزه‌ای طولانی، جزئی لاینفک از زندگی سیاسی-تشکیلاتی حزب رنجبران ایران گشته بود. او کمونیستی بود با ویژگی‌های برجسته. کارها و عملکردهای او آن‌چنان گوناگون و گسترده بود که در این محدوده نمی‌توان همه آن‌ها را توضیح داد. ویژگی‌های شخصی او بارز بود: وقت‌شناسی، تغذیه کاملاً ساده و محدود، ورزش و بعدها



اطلاعیه شماره ۲.... بقیه از صفحه ۱

که ده‌ها رفیق او را در این چهل سال کشت، زندانی و دربه‌در کرد - در سوئد چشم از جهان فرو بست.

او در جستجوی حقیقت و علم، از ده به شهر و از زبان مادری‌اش ترکی به زبان فارسی و از فارسی به فرانسوی و بعدها کردی، انگلیسی، سوئدی و آلمانی سخن گفت و نوشت.

او توانست در مسیر پیشرفت، آموزش و نوسازی خود، مدرسه و دانشگاه را با کوشش زیاد و نتیجه‌ای پربار تا رتبه دکترای فیزیک هسته‌ای طی کند و به چنان آگاهی دست یابد که وظیفه را دیگر نه تفسیر، بلکه تغییر جهان بداند؛ توده‌ها را سازندگان تاریخ بازشناسد و خدعه‌گران تاریخ را که تا به حال خدا، شیخ و شاهان را خالق می‌نامیدند، افشا نماید. او با چنین آگاهی، شعار همیشگی‌اش را پیشه کرد: «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است»؛ شعاری که همچنان در سرلوحه «رنجبر»، ارگان حزبش، نقش بسته است.

او از همان نوجوانی به سازمان جوانان دمکرات پیوست، در جوانی عضو حزب توده ایران شد و در انشعاب بزرگ تاریخی دهه چهل شرکت کرد. از بنیان‌گذاران سازمان انقلابی حزب توده شد و پس از گرفتن دکترای به کادر حرفه‌ای و تمام‌عمری تشکیلاتش درآمد.

او در هنگام رفتنش سردبیر نشریه‌ای بود که دو سردبیر قبلی‌اش - فرامرز وزیری و محمود بزرگمهر از اعضای دفتر سیاسی حزب رنجبران ایران - را رژیم جنایتکار اسلامی در دهه شصت اعدام کرده بود.

در سوگ و بزرگداشت او چه باید گفت و نوشت که درخور زندگی، شعور و دانش او باشد؟ سخن‌ها بسیار است، اما در اینجا اشاره‌ای داریم:

عملکرد، گفتار و نوشتار او حکایت از کمونیستی دارد که بیش از نیم قرن، خود را کاملاً و تماماً در خدمت جنبش کمونیستی ایران و جهان قرار داد؛ **عملکرد، گفتار و نوشتار او** حکایت از کمونیستی دارد که وفادار به کمونیسم علمی، استوار در سمت طبقه کارگر و تهیدستان ایستاد؛

عملکرد، گفتار و نوشتار او حکایت از کمونیستی دارد آگاه و مسلح به اندیشه‌های اساسی ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیکی که قادر است طبق شرایط مشخص آن‌ها را به کار گیرد، دائماً به جمع‌بندی پراتیک خود پردازد، در طول مسیر نماینده خوب نقد اشتباهات و اصلاح باشد و خود را نیز هدف نوسازی و تصحیح قرار دهد؛

عملکرد، گفتار و نوشتار او حکایت از کمونیستی دارد که به موقع، هنگامی که می‌بیند حزب توده ایران با فکر خودش نمی‌اندیشد، اساسش بر بنیاد اصلاح‌طلبی (نه انقلابی) ریخته شده و رویزیونیسم خروشچفی را دنبال می‌کند، با رفقای قیام‌کننده علیه رهبری حزب همراه می‌شود و تا آخر عمر همچنان برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران بر اساس اصول و برنامه کمونیسم علمی و در پیوند فشرده با کارگران مبارزه می‌کند؛ آرزویی که همچنان امروز با خود همراه داشت: آرزوی وحدت کمونیست‌ها و یکی شدن آن‌ها در حزبی یکپارچه و متحد.

حزب رنجبران ایران دبیری کاردان و خدمتگزاری تمام‌عمری را دیگر در میان خود ندارد. رفتنش دردی است همگانی برای جنبش کمونیستی ایران و جهان.

کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران

۱۰ اسفند ۱۳۹۷ برابر با ۲۸ نوامبر ۲۰۱۹



یاد رفیق علی صادقی برای همیشه در خاطره حزب باقی خواهد ماند



سخنان ظاهر پرتوی در مراسم یادبود در هامبورگ... بقیه از صفحه ۱

و بی حقوقی انسان‌های مولد می‌تپید. یاد او برای همیشه در خاطر کمونیست‌های ایران و حزب رنجبران گرامی باد!

او فعالیت سیاسی را از ۱۲ سالگی در سازمان جوانان حزب توده شروع کرد. بعد از گرفتن دیپلم به خارج از کشور رفت و در «مبارزه دو خط» در جنبش بین‌المللی کمونیستی میان چین و شوروی، علیه نظرات رویزیونیستی حزب کمونیست شوروی موضع گرفت و در زمانی که سازمان انقلابی تشکیل شد، یکی از بنیان‌گذاران آن بود. بعدها تا مقطع تشکیل حزب رنجبران، در تمامی کنفرانس‌های سازمان حضوری فعال داشت. او در برنامه‌های سازمان انقلابی جهت مبارزه و پرورش کادرهای سیاسی-نظامی فعالانه شرکت می‌کرد. او به چین و کوبا رفت؛ با کوله‌باری پر از تجربه.

وقتی جنبش کردستان مجدداً سر برآورد، به کردستان عراق رفت تا در پیوند با این جنبش، با رهبرانیش (سلیمان معینی، ملا آواره و شریف‌زاده) به گفتگو بنشینند. در آنجا بود که او را «کاک ابراهیم» نامیدند؛ نامی که در جنبش سیاسی با آن شناخته می‌شد. کاک ابراهیم در جنبش کردستان، در روزنامه «رزگاری» (رهایی) که روزنامه‌ای چپ بود قلم می‌زد. او بعد از شکست جنبش تازه سر برآورده کردستان و کشته‌شدن رهبران آن، به خارج بازگشت. سپس مخفیانه راهی ایران شد تا کنفرانس سازمان انقلابی را با رفقای داخل برگزار کنند. در این سفر، در مرز ایران و افغانستان دستگیر شد. جانان رژیم پهلوی او را ۲۶ ماه در انفرادی به بند کشیدند و شکنجه کردند، اما نتوانستند اراده او را در دفاع از تشکیلات و حفظ رفقاییش در هم شکنند. او همراه با دیگر زندانیان سیاسی در مقطع انقلاب آزاد شد.

بعد از تشکیل حزب رنجبران، با اینکه با بعضی از نظرات کنگره اول موافق نبود، به عضویت دفتر سیاسی انتخاب گردید و بعد از شروع سرکوب‌ها به کردستان رفت.

اولین بار رفیق ابراهیم در رشت و سپس در سخنرانی پارک شهر تهران (که حزب‌اللهی‌ها آن را به هم ریختند) در کار علنی دیده شد.

بخشی از یک گزارش حزبی:

«در یکی از روزهای خرداد ۶۰، ناشی از عدم اجرای دقیق مخفی‌کاری، رفیق ابراهیم را با بهرام راد در اتاقی دیدم. رفیق متوجه اشکال قضیه شده بود. تا من سلام کردم گفت: «رفیق غذا خورده‌ای؟» در جواب که تردید کردم، گفت: «اگر غذا نخورده‌ای، اینجا غذا هست. سعی کن گرسنه نمانی، چون معلوم نیست

یک ساعت بعد چه اتفاقی خواهد افتاد. رفیق! باید آماده باشی.»

او به زندگی رفقاییش توجه بسیار داشت و سعی می‌کرد در حد توان مشکلات آن‌ها را حل کند. با درد دل رفقا گوش می‌داد و در حد توان فکری‌اش آن‌ها را راهنمایی می‌نمود.

در کردستان نیز که کار سیاسی-تشکیلاتی طولانی‌ای را آغاز کرد، «کاک ابراهیم» نامیده شد؛ همان نام مستعار قبلی‌اش در جنبش کردستان.

در طی مدتی که رفیق در کردستان بود، حزب ما دومین کنگره خود را برگزار کرد. توانمند کردن مجدد حزب به لحاظ تئوریک و سیاسی، آن هم در شرایطی که حزب از اشتباهات جدی‌اش در حال فاصله گرفتن بود و رفتن‌ها نیز بیش از آمدن‌ها بود، کاری بس دشوار می‌نمود. رفقای نگهبان گزارش می‌دادند که گاهی چراغ اتاق رفیق تا ۲ نیمه‌شب روشن بود و زیر نور فانوس، وضعیت حزب و شرایط موجود را تحقیق و بررسی می‌کرد. گاه‌گاهی خود برای نگهبانی داوطلب می‌شد و در حالی که خود از همه خسته‌تر بود می‌گفت: «رفقا خسته هستند؛ بگذار همین یک ساعت رفقای جوان زیاده‌تر بخوابند تا فردای سالمتری داشته باشند.»

تکیه‌کلامش «جوان» بود. بعدها که ما دیگر جوان نبودیم، می‌گفت: «جوان چطوری؟» و ما می‌خندیدیم.

قبل از کنگره دوم، کنفرانس بخش کردستان به مدت یک هفته برگزار گردید که اختلافات سیاسی به سطح پایین‌تری هم کشیده شده بود. خلاصه کنم؛ مبارزه دو خط‌مشی به شدت در شرایط عقب‌نشینی عمومی ادامه داشت. او از اینکه حزب و کنگره دوم نتوانست بخش تهران را با خود همراه کند، به شدت ناراحت بود. بعدها که خیلی‌ها به خارج رفتند یا حزب را ترک کردند، مؤکداً می‌گفت: «ما جنگ طبقاتی را خوب نفهمیدیم. ما برای پیشروی خود را آماده می‌کردیم ولی هیچ‌گاه نه به عقب‌نشینی فکر کردیم و نه آماده بودیم که راه‌های آن را حداقل یاد بگیریم. وقتی متوجه این امر شدیم که مبارزه آن را به ما تحمیل کرد. ما باید راه‌های عقب‌نشینی را جهت ادامه مبارزه و پیشروی بعدی یاد بگیریم، نه برای توجیه پراکندگی و حفظ خود.» او می‌گفت: «بعضی مواقع صدای آتشی که از گفتگوی رفقا می‌بارید را می‌شنیدم. حالا که فکر می‌کنم، می‌توانم عمق سنگینی یک شکست را در کلیه عرصه‌های اخلاقی-سیاسی-تشکیلاتی بهتر درک کنم. رشد ایندیویدوالیسم

(فردگرایی)، ندیدن جمع و ده‌ها مشکل دیگر اجازه پیشروی نمی‌داد.»

در آن شرایط، جمع‌وجور کردن تشکیلات، ادامه وظایفی که کنگره دوم بر دوش رفیق و رهبری حزب گذاشته بود، و نیز دقیق‌تر کردن خطوط عمومی مصوب کنگره و پایان دادن به اغتشاشات فکری، از توان‌های عادی خارج بود. درست در این شرایط تاریخی، رفیق مجدداً نشان داد که کمونیستی استوار، وفادار به حزب و رفقا، و متعهد به وظایفی است که جمع بر عهده‌اش گذاشته است.

او انسانی متحول بود. برعکس آنچه برخی جریان‌ات تروتسکیستی و رویزیونیستی تبلیغ می‌کنند، تفکری پویا داشت. وقتی بر سر پرچم اصول راهنمای حزب (یعنی مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائو تسه‌دون) در درون حزب بحث و گفتگو شروع شد، نظر رفیق این بود که مفاهیم تئوریک نمی‌توانند مجرد و در خود باشند. او همیشه تأکید داشت که اصول راهنما بایستی بتواند به پراکندگی پایان داده و جنبش کمونیستی را متحد کند. او به نتایج تاریخی اصول یا پرچم‌های گوناگون در جنبش کمونیستی ایران و جهان برخورد می‌کرد و می‌گفت: «ما باید نه تنها در عرصه‌های تاکتیکی، بلکه اساساً در عرصه‌های استراتژیک که از اصول راهنمای ما برمی‌خیزد به وحدت برسیم. اگر ایسم‌گرایی در گذشته نقشی علیه نیروهای بورژوازی در خط‌کشی درون جنبش کمونیستی ایفا کرده است، در شرایط کنونی برای جلوگیری از انشعابات، گسست‌ها و ممانعت از تکه‌تکه شدن نیروهای کار و کمونیستی کافی نیست. کمونیسم علم‌رهایی پرولتاریاست و باید به وحدت کمونیست‌ها یاری رساند.»

مسئله این بود که کمونیست‌ها نمی‌توانند صرفاً اتحادهای تاکتیکی داشته باشند؛ آن‌ها باید حزب واحد کمونیست را با پیوند با طبقه کارگر به وجود بیاورند. از جمله مسائل مورد بحث، شرکت در اتحادعمل‌های مختلف بود. رفیق به طور دائم توضیح می‌داد که تا زمانی که هنوز خطوط کاملاً از هم جدا نشده‌اند و امکان کار متحد موجود است، بایستی آن را ادامه داد.

کنگره سوم وقتی تشکیل شد که ما به برخی از مسائل کنگره دوم پاسخ داده بودیم، اما برخی مسائل هنوز حل نشده بود؛ از جمله مسئله رهبری، وظایف پیش‌رو در جنبش کمونیستی و کارگری در ایران، اصول راهنمای حزب، تحلیل طبقاتی از جامعه ایران و تحلیل از اوضاع بین‌المللی.

رفیق ابراهیم مبارزه بی‌وقفه‌ای را جهت وحدت جنبش کمونیستی آغاز کرد. ما این مبارزه را آغاز کردیم و حالا در جایی هستیم که هیچ



طبقات و انسان‌ها می‌آید و این نوع القاب فقط باید در محیط کار مربوطه یا ضرورت‌های علمی به کار گرفته شود. او در عین تواضع و فروتنی، برای رشد و قدرت طبقاتی پرولتاریا سری پرشور داشت.

او مؤلف کتاب «سیر تکاملی امپریالیسم» است که مسائل عصر امپریالیسم و روندهای اجتماعی و جهانی آن را می‌شکافد. «تروریسم، زاییده میلیتاریسم» نوشته دیگر اوست؛ جزوه‌ای در مورد عروج تروریسم در اوضاع کنونی.

مترجم کتاب «تاریخ مختصر زمان» نوشته استیون هاوکینگ است؛ کتابی علمی در مورد فیزیک، ستاره‌شناسی و دیالکتیک دنیای ماتریالیستی.

ترجمه دیگر او کتاب «مبارزه در مورد شیوه تفکر در جنبش کارگری» اثر استفان انگل (از رهبران جنبش کارگری آلمان) است.

او وقتی به شناخت از موضوعی دست می‌یافت و آن را در جلسات و نشست‌ها مطرح می‌کرد و ساعت‌ها در مورد آن بحث و جدل به وجود می‌آمد، دوباره به مطالعه در مورد آن می‌پرداخت؛ و وقتی موضوعی برایش مسجل می‌شد، پیگیرانه آن را در درون تشکیلات تبلیغ می‌کرد. او موضعی سرسخت علیه لیبرالیسم سیاسی و تشکیلاتی داشت و سعی می‌کرد حیات با نشاطی برای حزب بسازد. یادم هست وقتی در کردستان بودیم، هفته‌ای یک شب برنامه شادی به نام «گالته و گپ» (شوخی و گفتگو) داشتیم. برخی مواقع که فرصتی دست می‌داد، به جمع پیشمرگان می‌آمد که با ورودش شور و نشاط دیگری آن شب‌ها را فرا می‌گرفت. او برایمان سرود و شعر ترکی می‌خواند. انسان شوخ‌طبعی نبود، اما برخوردی بسیار دوستانه و رقیقانه داشت.

فرستاده‌ای از یکی از سازمان‌های سیاسی، نامه‌ای برای رهبری حزب (کاک ابراهیم) آورده بود. کاکا جلوی در نشسته بود. شخص مزبور وارد شد و کاکا برایش نوشیدنی آورد و هر دو به درون رفتند. پس از دقایقی، کاکا بیرون آمد و گفت کسی را بفرستید تا پیش میهمانمان بنشیند و ببیند چه کار دارد. رقیقی نزد او رفت و بعد از احوال‌پرسی پرسید که کارش چیست. او قبل از هر چیز گفت: «این رفیق شما عجب آدم خوبی است! من با کاک ابراهیم کار دارم.» وقتی کاک ابراهیم دوباره نزد او برگشت، با تعجب گفت: «خیلی آدم افتاده‌ای است؛ باورم نمی‌شود!»

گاه‌گاهی عصبانی می‌شد، ولی در عین عصبانیت احترام طرف مقابلش را حفظ می‌کرد. در انتقاد کردن بسیار صریح‌الکلام بود، اما تلاشش این بود که انتقاد را به بگوگو

علیه نظرات غیرپرولتری جلو ببریم. بایستی با تلاش خود، صفوف پراکنده جنبش کمونیستی را از وضعیت کنونی خارج کنیم و با وحدت در یک تشکیلات پرولتری، گام‌های اول را برای ایجاد حزب کمونیست در آینده و با پیوند با جنبش کارگری برداریم.

حاصل این اندیشه، شرکت حزب در بسیاری از جمع‌ها و کنفرانس‌ها طی ۳۰ سال گذشته بر سر مسئله وحدت در خارج از کشور بود. او معیار چنین کاری را وحدت بر اساس اصول اساسی برنامه و تاکتیک می‌دانست.

در بسیاری از این دستاوردهای تئوریک، رفیق تنها بود. او می‌گفت یکی از اشکالات جدی رفقا کم‌بها دادن به مبارزه تئوریک است و ما باید این مبارزه را در عصر نئولیبرالیسم و گلوبالیزاسیون همه جانبه‌تر سازماندهی کنیم. ما امروز که به خط‌مشی حزب و سیاست‌های مصوب در کنگره‌های دوم و سوم می‌نگریم، تغییرات بسیار مثبتی را می‌بینیم که نقش رفیق ابراهیم در آن‌ها بسیار برجسته بوده است.

رفیق بر اصول کمونیسم علمی پای می‌فشرد. او در چند سال گذشته مبارزه گسترده‌ای را علیه نظرات انحرافی، نشانند «دمکراسی» به جای سانتالیسم دمکراتیک، و فراکسیونیسم و محفلیسم تشکیلاتی به جای سازماندهی تشکیلات کمونیستی به پیش برد. او بارها نوشت و گفت که «اتحاد عمل»، «اتحاد پایدار» و تئوری‌هایی از این قبیل نه می‌توانند و نه توان عینی و مادی آن را پیدا خواهند کرد که از مرزهای موقت و ناپایدار خارج شوند. در شرایطی که یک حزب کمونیست واحد با پایه‌های وسیع توده‌ای و کادرهای پرتوان کارگری در سطح رهبری کل جامعه ظاهر شود، می‌توان از اتحادعمل‌های کاملاً موقت با برخی جریان‌های اجتماعی در مبارزه علیه ارتجاع حاکم سخن گفت. او مرتب یادآوری می‌کرد که کمونیست‌ها نباید اتحادهای حزبی را با وحدت در حزب کمونیست یکی بگیرند؛ زیرا این امر جنبش را به پراکندگی و سردرگمی بیشتری می‌کشاند.

از او آثار بسیار زیادی به جا مانده است که به مرور آن‌ها را جمع‌آوری و بازتکثیر خواهیم کرد. او علاوه بر مقالات تئوریکی که عمدتاً در پاسخ به مسائل روز جنبش بود، به مسائل تئوریک جنبش کمونیستی بین‌المللی نیز توجه خاصی داشت. او انسانی با دانش علمی بالا بود؛ همان‌طور که می‌دانید، موفق به اخذ مدرک دکترای فیزیک هسته‌ای آن هم در ۵۰ سال پیش گردید-رشته‌ای که در آن زمان ویژه نخبگان علمی بود. ولی تمایلی نداشت که «دکتر» خطابش کنند. نظرش این بود که القابی این‌چنینی از دنیای کهن برای جدایی

سازمان سیاسی‌ای نمی‌تواند انکار کند که امر وحدت یک ضرورت تاریخی برای جنبش کمونیستی است. رفیق که در جمع‌بندی از اصول راهنمای حزب، «سوسیالیسم علمی» را مطرح کرد (بسیاری از رفقای تشکیلات هم می‌گفتند این چه فرمولی است که کاک ابراهیم آورده است!)، چه در درون و چه در بیرون حزب، لحظه‌ای در توضیح این نقطه‌نظر بازنمی‌افتاد. امروز سوسیالیسم علمی و کمونیسم علمی به نظر اکثر نیروهای جنبش کمونیستی در ایران و در سطح بین‌المللی به اصول راهنما تبدیل گشته است. او به خصلت عملی اصول راهنمای حزب ما اهمیت خاصی می‌داد.

رفیق نسبت به اوضاع سیاسی و مشکلات عینی بر سر راه حزب بسیار دقیق بود و به نقش تشکیلات به مثابه ابزار انقلاب اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌داد. او این مشکلات را ناشی از نفوذ و تخریب ایدئولوژی‌های غیرپرولتری در جنبش کمونیستی می‌دید و در جمع‌بندی، چندین نکته را همواره یادآوری می‌کرد و برای رفع آن‌ها، کمونیست‌ها را به مبارزه‌ای بی‌امان فرا می‌خواند:

۱. فقدان حضور کادرهای کارگری فعال و آگاه در هدایت جنبش کارگری و توده‌ای؛
 ۲. نفوذ خرده‌بورژوازی چپ در درون جنبش کارگری با روحیه فرقه‌گرایی، خودمرکزینی و نفی موضع پرولتاریا در امر وحدت؛
 ۳. شکست جنبش کمونیستی آگاه و نفوذ افکار سازشکارانه طبقاتی در درون جنبش کارگری با تکیه بر نفی سوسیالیسم و...؛
 ۴. سرکوب شدید جنبش چپ موجود و اعدام بسیاری از فعالان چپ و کادرهای سطح بالای کارگری؛
 ۵. تشتت نظری و سازمانی در درون جنبش چپ مدافع جنبش کارگری؛
 ۶. دگماتیسم و سکتاریسم غالب بر جنبش چپ متکی بر نفی کامل دیگر تشکلهای چپ؛
 ۷. عدم تبحر در آموزش کمونیسم علمی و به‌کارنگرفتن محکم و بدون تزلزل ماتریالیسم دیالکتیک به مثابه علم شرایط رهایی پرولتاریا در برخورد به مسائل؛
 ۸. به‌کارنگرفتن سبک کار پرولتری: تلفیق تئوری با پراتیک، پیوند فشرده با توده‌ها و انتقاد و انتقاد از خود.
- رفیق ابراهیم نکات فوق را در حزب آموزش می‌داد:

حزب باید برای تداوم مبارزه‌اش به عنوان یک تشکیلات کمونیستی، پیوند خود را با جنبش کارگری تقویت کرده و صفوفش را از کادرهای کارگری پُر کند.

باید مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی پیگیری را



پیام احزاب و سازمان‌ها.... بقیه از صفحه ۱

قرار داشت، اما حتی هویت خود را فاش نکرد. چهل سال پیش، با سرنگونی رژیم شاه، وی در سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد.

ما با رفیق ابراهیم اختلافات زیادی، به ویژه در مورد چین پس از سال ۱۹۷۶ داشتیم؛ یعنی هنگامی که پس از مرگ مائو، رویزیونیست‌ها قدرت را گرفتند و سرمایه‌داری در این کشور احیا شد. در جنبش نوین کمونیستی که تحت تأثیر مبارزات مائوتسه‌تون علیه رویزیونیسم روسی شکل گرفته بود، ناموزونی در درک از تکامل کیفی مارکسیسم توسط مائو و بیان پراتیکی آن در «انقلاب فرهنگی پرولتاریایی» وجود داشت. به همین جهت عده‌ای از جوانان کمونیست به جای پیوستن به سازمان انقلابی حزب توده، سازمان انقلابیون کمونیست به رهبری رفیق سیامک زعیم را تشکیل دادند. این اختلافات هنگامی که رویزیونیست‌ها در چین سوسیالیستی قدرت را گرفته، رهبران مائوئیست مانند چیانگ چینگ و چن بویادا را دستگیر و زندانی کردند و سرمایه‌داری را با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا در چین احیا نمودند، جهش کیفی یافت. رفیق ابراهیم همانند بخش بزرگی از جنبش نوین کمونیستی، هنگامی که همین اتفاق دو دهه پیش در شوروی رخ داده بود، موضع صحیحی اتخاذ کرده بود؛ اما در مورد چین دچار اشتباه شد و تا مدت‌ها چین رویزیونیستی را چین سوسیالیستی قلمداد می‌کرد و طرفدار تز رویزیونیستی «سه جهان» بود. اما اتفاقی که در چین افتاد، رخدادی «چینی» نبود؛ بلکه رخدادی بین‌المللی بود که پیامدهای منفی تاریخی-جهانی داشت. اکثریت قریب به اتفاق جنبش نوین کمونیستی ایران نتوانستند از ورای این شکست و با تحلیل آن، مانع از اضمحلال جنبش بین‌المللی کمونیستی شوند.

یکی از چالش‌های بزرگ در مقابل کمونیست‌ها، خطر بیرون افتادن احزاب از جاده انقلاب است. هر چرخش و نقطه عطفی که در اوضاع (به‌ویژه اوضاع بین‌المللی) رخ می‌دهد، ضرورت‌های جدیدی را در مقابل احزاب کمونیست می‌گذارد. تحلیل درست یا نادرست از این ضرورت‌ها و دادن پاسخ صحیح یا اشتباه به آن می‌تواند یک حزب کمونیست را به کج‌راه ببرد یا باکیفیت‌تر کند. اگر تحلیل از ضرورت و پاسخ به آن نادرست باشد، در چنین شرایطی علی‌رغم تلاش‌ها و فداکاری‌ها، عمل و پراتیک سیاسی در خدمت هدف و آرمان قرار

بیانیه حزب کمونیست ایران (مارکسیست لنینیست مائوئیست)

به یاد رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم)

دریغ و تأسف که در سحرگاه ۱۰ اسفند ۱۳۹۷ (۱ مارس ۲۰۱۹)، رفیق علی صادقی (معروف به کاک ابراهیم و دکتر ابراهیم)، از بنیان‌گذاران سازمان انقلابی حزب توده و پس از آن حزب رنجبران ایران، درگذشت.

کاک ابراهیم در سال ۱۳۱۵ در روستای چکنه از توابع قوچان در شمال خراسان به دنیا آمد. در دوران دبیرستان در مشهد، به سازمان جوانان حزب توده پیوست. پس از اخذ دیپلم به سوئیس رفت و از دانشگاه لوزان در رشته فیزیک فارغ‌التحصیل شد. سپس در سال ۱۹۶۳ در فرانسه موفق به دریافت دکترای فیزیک هسته‌ای گردید. اما به جای بالا رفتن از پله‌های «ترقی»، تصمیم گرفت با هر آنچه در توان داشت، وارد راه مبارزه برای رهایی ستمدیدگان و استثمارشوندگان شود.

باب آواکیان نکته مهمی را در رابطه با خصلت روشنفکران می‌گوید: «یکی از خصایل مشخص روشنفکران، چه به عنوان فرد و چه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، این است که به خاطر موقعیت خاصشان و ماهیت نقش آنان در کار با ایده‌ها، امکان و ظرفیت آن را دارند که خود را به این یا آن طبقه «بچسبانند» و حتی خود را از یک طبقه «جدا» کرده و به طبقه‌ای دیگر «بچسبند». به عبارت دیگر، آن‌ها می‌توانند جهان‌بینی این یا آن طبقه را اتخاذ کنند و نمایندۀ منافع این یا آن طبقه شوند.»

رفیق ابراهیم، نمونه‌ای از آن روشنفکران طبقه بورژوازی بود که از طبقه خود گسست کرد تا به رهایی زحمت‌کشان خدمت کند.

دکتر ابراهیم همراه با بسیاری از کادرهای جوان حزب توده در اوایل دهه شصت میلادی، تحت تأثیر نقدهای مائوتسه‌تون به غلبه رویزیونیسم در حزب کمونیست شوروی و تبدیل آن از یک کشور سوسیالیستی به یک کشور سرمایه‌داری، از حزب توده جدا شدند و سازمان انقلابی حزب توده را تشکیل دادند. سازمان انقلابی حزب توده تصمیم گرفته‌دهی از کادرهای خود را مخفیانه به ایران بفرستد. رفیق ابراهیم به چین و کوبا سفر کرد و دوره‌های آموزشی مختلفی را در این دو کشور از سر گذراند و در سال ۱۳۵۴ از طریق افغانستان وارد ایران شد، اما در مرز دستگیر شد. وی به مدت ۲۶ ماه در سلول انفرادی و زیر شکنجه

تبدیل نکند. مناسبات او با مام جلال (جلال طالبانی) از گذشته‌های دور بسیار حسنه بود و جلال طالبانی او را «ماموستا ابراهیم» صدا می‌زد. اما زمانی که جلال طالبانی مواضعش را نسبت به جنبش عوض کرد، بدون هیچ‌گونه تأملی او را به باد انتقاد گرفت و دوستی را پرده ساتری بر مناسبات سیاسی نکرد. او هیچ‌گاه و به هیچ دلیلی اصول را فدای مناسبات نمی‌کرد.

او حتی در آخرین روزهای بیماری که در بیمارستان بستری بود، سعی کرد برای «رنجبر» (ارگان حزب) قلم بزند، اما بیماری دیگر به او فرصت نداد. در همین روزها بود که گفت: «من تا آخر عمر ادامه خواهم داد؛ مگر مرگ مرا از کارهایم بازدارد.»

او در کار تشکیلاتی بسیار پرحوصله بود و شخصیتی بسیار کاریزماتیک داشت که برای حزب ما نقش بسیار مثبتی ایفا می‌کرد. در بدترین شرایط تشکیلاتی، بسیاری از رفقا به دور او حلقه زدند و دست در دست هم، نگذاشتند حزب رنجبران ایران بر اثر انشعاب یا ضربات رژیم به فترت برود.

آخرین جلسه تشکیلاتی او سه ماه و نیم پیش و یک هفته قبل از آخرین بستری‌شدنش در بیمارستان بود. بعد از عملی که دو سال و اندی پیش روی غده مغزی رفیق انجام شد، حدود یک سالی حال خوبی داشت، ولی مشکلات مجدداً سر برآوردند. رفیق دچار تشنجهای جسمی می‌شد و طی مدتی که در بیمارستان بود چندین بار دچار عفونت‌های ریوی شد که در آخرین بار دیگر نتوانست مقاومت کند و از میان ما رفت.

امروز ما سپاس بی‌کران و احترام عمیق خود را به رفیق کاک ابراهیم—که از ۱۲ سالگی تا لحظه درگذشتش از مبارزه باز نایستاد—نثار می‌کنیم:

به خاطر خدماتی که با تمام توان به حزب و جنبش کمونیستی کرد؛

به خاطر زحماتی که برای حزب رنجبران و تشکیلاتش کشید؛

به خاطر از خودگذشتگی‌هایش؛

به خاطر کمک به تک‌تک رفقا در آموزش و استواری در کار تشکیلاتی؛

به خاطر تلاش و کار مستمر و پیگیر برای تصحیح خط‌مشی حزب.

او در عمل به ما آموخت که در مبارزه طبقاتی برای سوسیالیسم تا آخر بجنگیم.

بدرود رفیق! اندیشه‌ها و رهنمودهایت برای همیشه در میان ما خواهد ماند.

بدرود رفیق! ای یار و یاور کارگران و زحمت‌کشان، ای انسان سترگ، ای کمونیست پرشور، بدرود!

غم از دست دادن او همچون کوه بر دوش رفقا سنگینی می‌کند



داشت و بعد از فراگیری آموزش‌های نظامی، در سال ۱۳۴۷ برای کمک به جنبش خلق کرد به کردستان منتقل شد.

پس از انقلاب، در جریان تشکیل حزب رنجبران — که از وحدت سازمان انقلابی با شماری دیگر از فعالین و جریان‌ها معتقد به اندیشهٔ مائوتسه‌تون پدید آمده بود — به عضویت دفتر سیاسی این حزب انتخاب شد. به دنبال تشدید سرکوب‌های رژیم اسلامی در سال ۱۳۶۱، به مناطق آزادشدهٔ کردستان آمد. در کنگرهٔ دوم حزب رنجبران در شهریور ۱۳۶۳، او به عنوان مسئول دفتر سیاسی انتخاب شد و تا لحظهٔ مرگ، مسئول اول این حزب بود. سازمان ما مرگ این مبارز باسابقهٔ جنبش چپ ایران را به همسر، دختر و هم‌زمانش تسلیت می‌گوید و برایشان شکیبایی آرزو دارد.

جاودان باد یاد عزیز دکتر علی صادقی!

کمیتهٔ مرکزی سازمان راه کارگر
۷ مارس ۲۰۱۹ (۱۶ اسفند ۱۳۹۷)

پیام همدردی جمع قدم اول
پیام همدردی به مناسبت درگذشت رفیق دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم)

اطلاع یافتیم شامگاه ۲۸ فوریه، قلب خستگی‌ناپذیر رفیق مبارز و کمونیست، دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم)، پس از دوره‌ای طولانی بیماری از تپش بازایستاد.

رفیق کاک ابراهیم بیش از پنجاه سال از عمر پربار خود را صرف مبارزه با سرمایه‌داری و امپریالیسم نمود. کاک ابراهیم از نیروهای برجستهٔ کمونیست در دههٔ چهل بود که به درستی خط ناصحیح و مشی رویزیونیستی حاکم بر حزب توده را نقد کرد و سازمان انقلابی را با جمعی از رفقایش بنیان نهاد. بعدها این رفیق، دهه‌ها به عنوان رهبر حزب رنجبران و سردبیر نشریهٔ «رنجبر» تا آخرین روزهای زندگی خود به مبارزه ادامه داد.

ایشان از دهه‌ها قبل به تلاش برای تدارک حزب انقلابی و کمونیست طبقهٔ کارگر اعتقاد داشت و در همین راستا، دوره‌ای به عنوان عضو «جمع قدم اول» نیز برای این مهم تلاش نمود. جمع قدم اول، با وجود تفاوت نظر با این رفیق، به هیچ وجه تلاش خستگی‌ناپذیر ایشان در تدارک حزب انقلابی را فراموش نمی‌کند و مراتب همدردی خود را با خانوادهٔ محترم و رفقای ایشان اعلام می‌دارد.

یاد کاک ابراهیم عزیز گرامی باد!

جمع قدم اول (تدارک حزب انقلابی طبقهٔ کارگر)

۰۱/۰۳/۲۰۱۹ (۱۰ اسفند ۱۳۹۷)

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۱۲ اسفندماه ۱۳۹۷

پیام تسلیت کارگران انقلابی متحد ایران
علی صادقی (کاک ابراهیم)، یار باوفای دیرین طبقهٔ کارگر درگذشت

ما با اندوه فراوان مطلع شدیم رفیق علی صادقی، این یار باوفای دیرین طبقهٔ کارگر و دبیر اول حزب رنجبران ایران، روز ۱۰ اسفند ۱۳۹۷ در کشور سوئد درگذشت.

رفیق صادقی بیش از نیم قرن از زندگی خود را وقف مبارزه برای اعتقاداتش کرد. این اعتقادات عبارت بودند از: رهایی طبقهٔ کارگر، سوسیالیسم و برقراری دموکراسی در ایران. او در عین حال از شخصیتی مصمم، صمیمی و صادق برخوردار بود.

رفیق صادقی در سال‌های اخیر نیروی خود را برای اتحاد بزرگ احزاب و گروه‌های چپ ایرانی جهت ایجاد یک حزب کمونیست واحد به کار بست و می‌کوشید این خواست اتحاد را — که فی‌نفسه درست و برحق است — از طریق توافق و ائتلاف احزاب و گروه‌های چپ ایران تحقق بخشد.

یادش زنده و گرامی باد.

کارگران انقلابی متحد ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۷

پیام تسلیت سازمان راه کارگر
پیام تسلیت سازمان راه کارگر به مناسبت درگذشت رفیق علی صادقی، دبیر اول حزب رنجبران

روز ۱۰ اسفند، رفیق ابراهیم (دکتر علی صادقی) در بیمارستانی در سوئد، پس از مدت‌ها دست‌وپنجه نرم کردن با بیماری، جهان را بدرود گفت.

رفیق علی صادقی در سال ۱۳۱۵ در روستای چکنه از توابع قوچان به دنیا آمد. تحصیلات دبیرستان را در مشهد به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲ برای ادامهٔ تحصیل راهی سوئیس شد. او در دانشگاه شهر لوزان تحصیل کرد و در رشتهٔ فیزیک فارغ‌التحصیل گردید. پس از آن به فرانسه رفت و در رشتهٔ فیزیک اتمی دکترا گرفت.

او از فعالین سازمان جوانان حزب توده بود و سپس در جریان جدایی سازمان انقلابی از حزب توده در سال ۱۳۴۳، به عنوان دانشجو به این جریان پیوست و به عنوان نمایندهٔ واحد فرانسه در اولین کنفرانس سازمان انقلابی در تیرانا شرکت کرد. او به عنوان یک کادر فعال سازمان انقلابی، سفرهایی به کوبا و چین

نخواهد گرفت. این مسئله چالشی بوده است که همهٔ احزاب جنبش نوین کمونیستی با آن روبرو بودند و بررسی رویکردها و چرخش‌های آن‌ها، از جمله سازمان انقلابی حزب توده و حزب رنجبران، بخش مهمی از این مبارزه و این روند و همچنین تاریخ مبارزهٔ طبقاتی در ایران است.

گرامی باد یاد و خاطرهٔ رفیق ابراهیم!

حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست)
۱۰ اسفند ۱۳۹۷

پیام تسلیت سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم)

با کمال تأسف، رفیق گرامی و کمونیست باسابقه، دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم)، صبح روز دهم اسفندماه ۱۳۹۷ برابر با اول مارس ۲۰۱۹، به زندگی پربارش بدرود گفت. رفیق ابراهیم نوجوانی خود را با فعالیت در سازمان جوانان حزب توده آغاز کرد و بعد از ادامهٔ تحصیل و اخذ دکترای فیزیک در سوئیس و فرانسه، تمام زندگی خود را وقف مبارزه در راه تحقق آرمان‌هایش نمود. او پیش از قیام بهمن‌ماه، مدتی برای آموزش در کوبا و چین به سر برد و هنگام بازگشت از چین در مرز افغانستان دستگیر شد و تا مقطع انقلاب در زندان بود.

کاک ابراهیم در جریان قیام بهمن ۵۷ از زندان آزاد شد و پس از آزادی، به مبارزه ادامه داد و به همراه هم‌فکران خود، حزب رنجبران ایران را تشکیل داد. پس از آن نیز تا آخرین لحظهٔ زندگی‌اش در چهارچوب رهبری و سیاست‌های این حزب به فعالیت‌های خود ادامه داد.

رفیق ابراهیم یکی از تلاش‌گران وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران بود و فعالانه در نشست‌ها و رایزنی‌های مختلف دربارهٔ ضرورت اتحادها شرکت می‌کرد. او در شکل‌گیری «اتحاد چپ کارگری»، «اتحاد انقلابی» و «اتحاد ۲۵ حزب و نهاد چپ و کمونیست»، فعالانه مشارکت داشت. رفیق ابراهیم آثار نوشتاری و گفتاری زیادی از خود به جای نهاده است که بخشی از تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری ایران در نیم قرن اخیر محسوب می‌شود. کاک ابراهیم همچنین انسانی فروتن، مهربان، قابل اعتماد و در طرح و پیشبرد نظراتش صریح بود. درگذشت رفیق ابراهیم را به خانواده و هم‌زمان او تسلیت گفته و خود را در غم از دست دادن وی شریک و سهیم می‌دانیم. یاد او همیشه در مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم گرامی و جاودان خواهد ماند.



پیام رفقای ایران

رفقا!

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق.

رفیق ما، رفیق بزرگ ما، هرگز از یاد ما نخواهد رفت. او پرچمی است که همواره بر بالای قله‌ی حزب ما می‌جنبید، می‌درخشد و ما را به تداوم راهش فرا می‌خواند.

رفقا! بیایید ضایعه‌ی مرگ جان‌سوز رفیق دلسوزمان، رفیق علی صادقی را به انگیزه‌ای و نیرویی دوچندان برای ادامه راهش تبدیل کنیم.

رفقا! رفیق صادقی در زمانه‌ای ما را تنها گذاشت که پس از شکست‌های داخلی و بین‌المللی، امروز کار مبارزاتی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی اوج بی‌سابقه‌ای گرفته است. سرمایه‌داری جهانی و امپریالیسم در پس بحران حاد ۲۰۰۸ همچنان یارای برون‌رفت از این بحران‌ها و تضادهای موج‌وار و روزافزون را نیافته است.

آری رفقا! خرد چنین حکم می‌کند در هر شرایطی و در هر نقطه از این جهان پهناور، پرچمی را که رفقای ما — پرویز واعظزاده، تقی سلیمانی، خسرو صفایی، عباس صابری، عباس تمرچی و هزاران کمونیست دلاور دیگر — برافراشته نگه داشته و به رفقای هم‌چون رفیق صادقی سپرده بودند، برداشته و برافراشته نگه داریم و یک لحظه از تداوم راه آنان دریغ نورزیم.

زنده‌باد سوسیالیسم!

زنده‌باد حزب رنجبران ایران!

زنده‌باد تلاش بی‌وقفه برای ایجاد حزب کمونیست واحد ایران!

Members of the Politburo/Secretariat
Ranjbaran (Proletarian Party of Iran)

Dear Comrades,

We in the New Democratic Marxist Leninist Party of Sri Lanka are sad to learn of the death in late February of Comrade Ibrahim Founder Chairman of Ranjbaran/Iran since the beginning of the 1980s.

I offer on behalf of the NDMLP our revolutionary salutations to the late Comrade Ibrahim and our deepest sympathies to his family and comrades.

His dedication and unswerving loyalty to the socialist cause, proletarian revolution and the working class and his leading role in building the revolutionary party of Iran together with other comrades are memorable, especially in the context of the brutal dictatorial monarchy of Mohammad Reza Pahlavi.

Comrade Ibrahim, although forced to live in exile after seizure of power by the Islamic regime which has persecuted all opposition, the Left in particular, has been firm in his policies and kept alive the struggle for socialism and people's democracy in Iran.

We, while sharing the deep sorrow of the family, friends and comrades of Comrade Ibrahim, are also confident that the exemplary leadership of Comrade Ibrahim will continue to guide Ranjbaran in its revolutionary course, even after his passage.

Fraternally

SK Senthivel

General Secretary, New Democratic Marxist Leninist Party



پیام رفقای افغانستان آزاد

رفقای عزیز، امروز بعد از مطالعه خبر درگذشت رفیق "ک. ابراهیم" به صورت بسیار عاجل از جانب پورتال افغانستان آزاد-آزاد افغانستان تسلیت ما را ابراز داشتیم. لازم دانستم مرگ این رفیق گرامی را که در بدترین روزهای حیات رنجبران، چون ناخدای چیره دستی کشتی طوفانزده رنجبران را در همکاری رفیقانه با سایر رفقاء مجدداً در مسیر سالم حرکت قرار داد، باز هم برایتان تسلیت گفته موفقیت تان را در تکمیل آرمانهای به جای مانده از آن رفیق نستوه آرزو نمایم.

تندرست و پیروز باشید
به نمایندگی از اداره پورتال
موسوی

پیام دوستان و رفقا

رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) درگذشت

با کمال تأسف خبردار شدیم رفیق دکتر علی صادقی، یکی از شخصیت‌های برجسته جنبش چپ و کمونیستی ایران، در سوئد درگذشت. رفیق دکتر صادقی، معروف به کاک ابراهیم، در زندگی پربار خود کمر به خدمت زحمت‌کشان و طبقه کارگر ایران بست و تا آخرین لحظه حیات خویشتن چون موجی خروشید و آرام نگرفت. کاک ابراهیم مبارزه سیاسی را در مکتب حزب توده ایران و سازمان جوانان آن در ایران آموخت. سپس برای ادامه تحصیل ایران را ترک کرد و در فرانسه و سوئیس به تحصیل فیزیک هسته‌ای مشغول شد و موفق به اخذ مدرک دکترا در این رشته گردید.

او در خارج از کشور، در میانه‌ی اختلافات دو حزب بزرگ کمونیستی دوران («حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» و «حزب کمونیست جمهوری خلق چین»)، از این تشکیلات جدا شد و جانب حزب کمونیست چین را گرفت. در مسیر بعدی زندگی سیاسی خود، به همراهی یارانش «سازمان انقلابی حزب توده ایران» را بنیان نهاد. او سال‌های زیادی را در راه مبارزه برای آزادی ایران (قبل از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷) در اروپا، چین، کوبا و کردستان عراق طی کرد. چند سال پس از انقلاب، هنگامی که سعی داشت مخفیانه از مرز افغانستان وارد ایران شود، توسط ساواک دستگیر و زندانی شد.

دکتر صادقی با آغاز انقلاب مردمی ایران از زندان آزاد شد و به همراه یاران خود به فعالیت

سیاسی در میهنش دست زد. او در رهبری سازمان انقلابی، بعداً به همراه چند تشکل و سازمان دیگر «حزب رنجبران ایران» را تشکیل داد و مانند گذشته در کمیته مرکزی این حزب به فعالیت ادامه داد. پس از سرکوب سازمان‌ها و گروه‌های چپ توسط حکومت اسلامی ایران، کاک ابراهیم به کردستان ایران رفت و به مبارزه سیاسی و نظامی ادامه داد. پس از سال‌ها اقامت و مبارزه در کردستان، رفیق علی صادقی راهی سوئد شد و تا به امروز در آنجا سکنی گزید.

دکتر علی صادقی در تمامی این سال‌ها چهره‌ای شناخته‌شده در حزب رنجبران ایران بود و با اراده‌ای آهنین و نظم‌ی مثال‌زدنی، روزنامه «رنجبر» را منتشر می‌کرد. با درگذشت دکتر علی صادقی، جنبش چپ ایران یکی از بزرگ‌ترین مبارزان خود را از دست داد؛ مبارز بزرگی که عمرش را در خدمت آرمان‌هایش هزینه کرد، ساده زیست، صادق بود و صادق ماند.

علیرغم هرگونه اختلاف نظر و سیاسی با این انسان بزرگ، رفتن دکتر صادقی از میان ما کمونیست‌ها و کارگران ایران ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است. مهربانی، افتادگی و در عین حال پافشاری بر ارزش‌ها و باورهایش، او را در جنبش چپ ایران برجسته کرد و یادش را زنده نگاه خواهد داشت.

از سوی جمعی از هم‌زمان سابق، دوستان و رفقای رفیق فقید، کاک ابراهیم.

مجله هفته درگذشت این مبارز برجسته را به دوستان و بازماندگان ایشان تسلیت عرض می‌کند. یادش گرامی باد.

رفقای عزیز حزب رنجبران ایران با کمال تأسف دریافتیم که رفیق دکتر علی صادقی بدرود حیات گفتند. این ضایعه بزرگ را به خانواده محترمشان، حزب رنجبران، جنبش کمونیستی و کارگران ایران تسلیت می‌گویم و برای شما رفقای عزیز آرزوی موفقیت دارم. خاطره‌اش جاوید و راهش پر رهرو باد.

غلامرضا پرتوی - ۲۰۱۹/۳/۲

جواد راستی‌پور: با سلام. درگذشت رفیق مبارز

و فداکار، علی صادقی را به همه رفقا تسلیت می‌گویم. من هیچ‌گاه آن رفیق را از نزدیک ملاقات نکردم، ولی از سال ۱۳۸۴ از طریق ایمیل ارتباطاتی با ایشان و سایر رفقا داشتم که در شکل‌گیری جهان‌بینی مبتنی بر سوسیالیسم علمی در من مؤثر بودند. پیشنهاد می‌کنم زندگی‌نامه مختصری از ایشان تهیه و منتشر شود. می‌توان تجربیات رفقای عضو

حزب و سایر کسانی را که با او کار و مبارزه کرده بودند در یک مجموعه جمع‌آوری و منتشر کرد. امیدوارم راهش پر رهرو باشد. موفق باشید.

در سوگ رفیق علی صادقی

خبر ناگوار بود: کاک ابراهیم از میان ما رفت. همین هفته‌های پیش بود که به گفتگو نشسته بودیم و مثل همیشه جدال بر سر ایجاد حزب کمونیست بود، و اکنون دیگر فرصت دوباره‌ای برای چالش با او وجود نداشت.

نوجوانی بیش نبود که علیه کودتای ۲۸ مرداد به خیابان آمده بود. کودتا به ثمر نشست، کودتاچیان به شکار نشستند و او لاجرم به خارج آمد. بعدها در تبعید، یک لحظه آرامش نداشت. از آنانی بود که به نقد رادیکال حزب توده پرداخته و در تقابل با رفرمیسم و رویزیونیسم حاکم بر آن، قهر انقلابی را به میان کشیده و همراه دیگران «سازمان انقلابی» را پایه‌گذاری کرد. جدایی از سرمایه‌داری دولتی در بلوک شرق، روند غالب بود و او یکی از آنان بود.

انقلاب در چین و کوبا پیروز شده بود و جدال بر سر راه چین یا کوبا در میان چپ جریان داشت. او عازم آنجا شد تا تجارب جدیدی کسب کند و از آنانی بود که می‌گفتند باید به سوی ایجاد حزب کمونیست رفت؛ و این همان تلاشی است که او تا لحظه وداعش با ما انجام داد.

مادیت بخشیدن به این تلاش، او را مخفیانه به ایران کشاند و دریغا که در لحظه ورود دستگیر شد. ولی دژخیمان رژیم ستم‌شاهی نتوانستند او را بشکنند؛ شکنجه و شلاق خللی در عزم او به وجود نیاورد و پس از آن، در هجوم مردم به زندان‌ها، او نیز رها گردید. با ایجاد حزب رنجبران، در رأس آن قرار گرفت. بعدها در کردستان، در جمع‌بندی از این دوره، حاکمیت خط رویزیونیستی راست در حزب را به نقد کشیده و تلاشی بیش از سه دهه را برای وحدت کمونیست‌ها به پیش برد. شوربختانه به این آرزویش که بیش از شش دهه برایش نبرد کرده بود دست نیافت و این بدون تردید بزرگ‌ترین مشغله فکری‌اش بود.

و اکنون در لحظه‌ای که جامعه در غلیان و جوشش است و نیاز جامعه به کمونیست‌های ثابت‌قدم فریاد زده می‌شود، او در میان ما نیست و این فقدان، دردی بزرگ است که آزارمان می‌دهد. بدرود کاک ابراهیم.

زمان مسعودی، نصرت تیمورزاده

دهم اسفند یک‌هزار و سیصد و نود و هفت

نعمت و میکائیل از اقلیم کردستان:

با سلام خدمت همه اعضا و رفقای حزب

از آموزش‌های او می‌آموزیم و بکار می‌گیریم



رنجبران ایران.

شنیدن خبر درگذشت رفیق دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم) غمی بزرگ بود برای ما و جنبش انقلابی و کمونیستی ایران. امیدواریم همه رفقا ادامه‌دهنده راه این کمونیست بزرگ باشیم. با عرض تسلیت به خانواده محترم و همه اعضا و رفقای حزب رنجبران ایران، ما را هم در این غم شریک بدانید. پایدار باشید.

به یاد او که دیگر نیست؛ به خاطره یک دوست، یک رفیق

آخرین بار که او را دیدم، روز جمعه ۱۵ ژوئن سال پیش بود در سالن ABF استکهلم که برای دیدن و گوش دادن به رضا شهابی (فعال کارگری داخل کشور) گرد آمده بودیم. با هم قدم‌زنان و صحبت‌کنان تا ایستگاه مرکزی قطار (station Central) رفتیم. او در آنجا سوار قطار شد و راهی شهری گردید که در آن زندگی می‌کرد. در این حدود ۸ ماه که در پی آمد، دیگر ارتباطی با هم نداشتیم.

یک بار هم پیش از آن، دو سال پیش در گردهمایی با فراخوان فعالان چپ در سالنی در «هوسبی» در حومه استکهلم جمع شده بودیم و او را دیده بودم. جز این دیدارهای محدود و مشخص، ارتباط دیگری میان ما وجود نداشت. او را دعوت کردم که به همراه دو سه تا از بچه‌ها به خانه من بیاید؛ شب بودن و دیر هنگام بودن را بهانه آورد و عجله داشت که به شهرش برود.

آخرین بار که او را دیدم خیلی سرحال، پرتحرک و گله‌گذار از کم‌کاری چپ بود. طلوع او در زمانی بود که زمین‌لرزه تاریخی انشعاب بخش عمده کادرهای حزبی و سازمان‌های دانش‌آموزی و دانشجویی از حزب توده ایران، در اعتراض به دنباله‌روی کورکورانه از شوروی، خارجه‌نشینی و بی‌عملی رهبری این حزب روی داد.

تصویر برجسته دیگر در زندگی سیاسی‌اش زمانی است که فراخوان سازمان انقلابی برای رفتن به داخل ایران را اجابت کرده و به طور قاچاق و از راه افغانستان به ایران رفت. نتیجه‌اش افتادن به چنگ ساواک و به زندان افتادنش بود. زمانی که درهای زندان‌ها به دست پرتوان مردم گشوده شد، او نیز به آزادی دست یافت. شگفت آن‌که او حتی نام و مشخصات واقعی خود را به دشمن بروز نداده بود. سرسختی یکی از ویژگی‌های منشی او بود که در بازه‌های زمانی دیگر هم از او دیده‌ام.

به دو خاطره از او از زمان زندگی و کار در کردستان اشاره می‌کنم. این دو خاطره را از کتابم با عنوان «نگاهی از اعماق به زندگی و سیاست: سایه‌روشن‌هایی از خاطره‌های دوران کودک، نوجوانی و جوانی‌ام» نقل می‌کنم:

خاطره اول: هرچه نزدیک‌تر شدن جلال

طالبانی و «اتحادیه میهنی» به رژیم حاکم در ایران، با دور و دورتر شدن او و آن «اتحادیه» از سازمان‌ها و نیروهای ایرانی مستقر در کردستان عراق همراه بود. طبیعی است که روابط دوستانه سابق رنگ باخته، به سردی گراییده و جای خود را تدریجاً به «قطع ارتباط» و در مواردی به دشمنی بدهد. این روندی بود که در روابط ما با «مام جلال» و اتحادیه‌اش شاهدهش بودیم. در مرز این دو مرحله، به اتفاق کاک ابراهیم به دیدن مام جلال رفتیم. از ما به گرمی استقبال کرد. در اتاقش سفره‌ای همانند ایرانی‌ها (منت‌ها با استفاده از صفحات یک روزنامه) روی زمین گسترده و ناهار خوشمزه‌ای به ما داد. در ضمن غذا خوردن، تعدادی از عکس‌هایش را به ما نشان داد. این باید نشانه‌ای از روابط بسیار نزدیک و دوستانه او با حزب ما و به ویژه با کاک ابراهیم می‌بود. یکی از عکس‌ها او را در کنار جمال عبدالناصر نشان می‌داد. نمی‌دانم چطور شد که کاک ابراهیم به روابط اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی و شدت و شتاب گرفتن حضور پاسدارها در منطقه اشاره کرد. لحن کاک ابراهیم انتقادی بود. او حتی تا آنجا پیش رفت که سیاست مام جلال در نزدیکی به رژیم حاکم در ایران را نادرست خواند؛ به این معنا که اتکا به یک قدرت خارجی همیشه فاجعه‌بار بوده و هست. او آنچه بر سر ملامصطفی بارزانی آمد را یادآور شد و در پایان گفت: «با پیشبرد این سیاست، همان سرنوشتی که بارزانی داشت در انتظار تو خواهد بود!» این حرف‌ها طبعاً به مذاق مام جلال خوش نیامد و عصبانی شد که: «من سرنوشت یک خلق در دستم است، شما سازمان‌های ایرانی که تعداد اعضایتان به شمار انگشتان دست است برای من تعیین تکلیف می‌کنید؟! این آخرین دیدار ما با جلال طالبانی بود و پس از آن، روابط میان ما و اتحادیه به سردی گرایید...

خاطره دوم: توی اتاق‌هایمان بودیم. صدای پیشمرگه‌ای را که نگهبان بود شنیدیم که بلند و بلندتر می‌شد؛ باید مشکلی پیش آمده باشد. همه آمدند بیرون. کاک ابراهیم هم بود. چند پیشمرگه اتحادیه میهنی بودند و می‌گفتند ماشینشان پنچر کرده و می‌خواستند چرخ زاپاس ماشین ما را بگیرند. به آن‌ها گفته شد که ماشین ما چرخ زاپاس ندارد، اما آن‌ها تهدید کردند که «اگر ندهید، چرخ ماشینتان را باز می‌کنیم و می‌بریم». کاک ابراهیم رفت جلو و گفت: «شما نمی‌توانید این کار را بکنید، مگر از روی نعش من رد بشوید!» پیشمرگه‌های حزب که در نقاط مختلف مستقر شده بودند، سلاح‌هایشان را مسلح کردند. دوستان اتحادیه هم که دیدند اوضاع خراب است، دمشان را روی کولشان گذاشتند و رفتند.

به هر روی، او دیگر در میان ما نیست و تنها نام و خاطره‌هایی از او به جای مانده است. بسیاری از دوستان و رفقای که زمانی با حزب ارتباط داشته یا هوادار آن بودند با من تماس گرفته، از فقدان این رفیق گفته و یادش را گرامی داشته‌اند.

در همین جا بجاست که خاموشی این دوست و رفیق را پیش از همه به خانواده گرامی او، به همسر و دختر عزیزش — که هم‌سنگ با کار سیاسی به آن‌ها عشق می‌ورزید — و نیز به همه کسانی که در درازنای زمان با او و زندگی سیاسی‌اش آشنا یا همراه بودند و به همه فعالان و کوشندگان چپ، تسلیت بگویم.

به یاد او که دیگر نیست.

هوشنگ گلاب‌دژ / امید

شنبه ۲ مارس ۲۰۱۹ / ۱۱ اسفند ۱۳۹۷

باقر مرتضوی — ۱۳ اسفند ۱۳۹۷

به یاد رفیق دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم)

در کمال تأسف شنیدیم که قلب پرشور هم‌رمز سالیان ما، علی صادقی (کاک ابراهیم)، دهم اسفند ۱۳۹۷ در بیمارستانی در سوئد برای همیشه بازیستاد. اگرچه از بیماری او آگاه بودیم، ولی مرگ کاک ابراهیم برای همه آنانی که او را از نزدیک و دور می‌شناختند بسیار سنگین بود. این غم برای ما که سالیانی دراز با او هم‌رمز و هم‌سنگر بودیم و طعم خوش پیروزی و تلخ شکست را به اتفاق چشیده بودیم، دردناک‌تر بود.

علی در سال ۱۳۱۵ در روستای چکنه از توابع قوچان، در یک خانواده فرهنگی ترک‌تبار به دنیا آمد. تحصیلات دبیرستان را در مشهد به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲ برای ادامه تحصیل راهی سوئیس شد. او در دانشگاه شهر لوزان تحصیل کرد و سرانجام در رشته فیزیک فارغ‌التحصیل گردید. پس از آن به فرانسه رفت و در رشته فیزیک اتمی دکترا گرفت.

علی در تمامی این سال‌ها از سیاست دور نماند و با گام‌های استوار همیشه رو به پیش داشت. همین روحیه بود که او را در دوران نوجوانی به صفوف سازمان جوانان حزب توده ایران سوق داد. او در ایام تحصیل در فرانسه نیز نه تنها در صفوف حزب توده، بلکه به عنوان یکی از کادرهای فعال آن، در میان دانشجویان عضو کنفدراسیون فعال بود. در سال ۱۳۴۳ در خیزش جوانان و کادرهای حزب توده، همراه زنده‌یاد پرویز نعمان علیه رهبری حزب توده از حوزه فرانسه شورش کرد و در آذرماه همان سال به عنوان نماینده فرانسه در تشکیل «سازمان انقلابی» نقش برجسته‌ای ایفا نمود. علی در اولین کنفرانس سازمان در تیرانا (پایتخت آلبانی) شرکت مستقیم داشت و تقریباً در تمامی نشست‌های اساسی سازمان



رفقاییش، به ویژه به دوستان بزرگوام ایرج کشکولی و باقر مرتضوی تسلیم می‌گویم.

مهدی سامع

جمعه ۱۰ اسفند ۱۳۹۷ - ۱ مارس ۲۰۱۹

Berger Pari

دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم)، رادمرد بزرگی که تمامی عمرش در خدمت به انسان‌ها سپری شد؛ کمونیست برجسته‌ای که از آغاز جوانی تا آخرین دم (۸۲ سالگی) به آرمانش وفادار ماند. یاد عزیزش گرامی و ماندگار.

«نه به هیأت گیاهی

نه به هیأت پروانه‌ای

نه به هیأت سنگی

نه به هیأت برکه‌ای،

من به هیأت «ما» زاده شدم

به هیأت پرشکوه انسان

تا در بهار گیاه به تماشای رنگین‌کمان پروانه بنشینم

غرور کوه را دریابم و هیبت دریا را بشنوم

تا شریطه خود را بشناسم و جهان را به قدر

همت و فرصت خویش معنا دهم

که کارستانی از این دست

از توان درخت و پرنده و صخره و آبشار بیرون است.

و خاطره‌ات تا جاودان جاویدان در گذرگاه ادوار داوری خواهد شد.»

همسر فرامرز وزیری

محسن موسوی

به بهانه از دست دادن رفیق علی صادقی:

آره، دل من هنوز آرام نگرفته است. همیشه با خود گفته‌ام چه صفت و کرداری از انسان‌ها را بیشتر دوست دارم؟ همان رفتاری که از کودکی به من آموختند: اولین نکته این‌که صادق باش و دروغ نگو؛ انسان‌ها و به ویژه سیاسیون و مخصوصاً کمونیست‌ها باید اوراست باشند... خاطرهم هست روزی با رفیق عزیزتر از جانم، علی صادقی، در پیکان قراضه من نشست و به سوی کاری می‌رفتیم. دل به دریا زدم و گفتم: «ممکن است کمی از خاطرات زندان بگویند؟» رفیق گویی نشنیده باشد، حرف دیگری را به میان آورد... او اساساً در مسائل جزئی کم‌حرف بود، اما وای که در جلسه حزبی مو را از ماست می‌کشید!

یاد رفیق گرانمایه‌مان تا ابد جاودان باد.

نظیر علیزاده

آپارتمانم را در استکهلم حدود ۲۷-۲۸ سال پیش به مدت چند روز در اختیار او و چند رفیق دیگر قرار دادم. وقتی می‌خواستند کلید را پس بدهند، رفیقی گفت به خارج سوئد تلفن کرده بود، حساب کرد و پولش را داد. بعد کاک

علی در کنفرانس چهارم سازمان انقلابی در اردیبهشت ۱۳۵۸ که در تهران برگزار شد، جزو هیئت مسئولین پنج‌نفره سازمان انتخاب شد و همچنین در دی‌ماه همان سال در کنگره اول حزب رنجبران، در شمار اعضای دفتر سیاسی آن انتخاب گردید. او تا زمان مرگ در رأس این سازمان فعالیت کرد و انتشار نشریه رنجبر را با تمام توان به پیش برد.

او بعد از هجوم رژیم به سازمان‌ها و احزاب مترقی در سال ۱۳۶۱، اجباراً به کردستان رفت و از آنجا مبارزه‌اش را ادامه داد. کاک ابراهیم در کنگره دوم حزب رنجبران در شهریور ۱۳۶۳ به عنوان مسئول دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. در این دوره بود که همراه رفقای هم‌نظرش به جمع‌بندی از فعالیت سه‌ساله حزب پرداخت و آن را به نقد کشید. علیرغم تلاش فراوان در کردستان، فعالیتش برای نزدیکی و همکاری با نیروهای انقلابی به ثمر ننشست، ولی علی همچنان با سماجت خاص خویش در این راه، از تکرار این شعر لاهوتی که «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» خسته نشد و به آرمان کمونیستی‌اش وفادار ماند. فقدانش را به همسر، دختر و یارانش تسلیت می‌گویم. یادش گرامی باد.

به مناسبت درگذشت رفیق کاک ابراهیم

درگذشت رفیق مبارز و تئوریسین حزب رنجبران ایران را به رفقا، دوستان و بازماندگانش تسلیت می‌گویم. بدون شک، نبود رفیق کاک ابراهیم اثرات جانبی خواهد داشت که یکی از آن‌ها، نبود مقالات روشنگرانه ایشان در سایت رنجبران، اشتراک و... است. با امید به اینکه ده‌ها و صدها کاک ابراهیم جایگزین او شوند و همچنان مشعل فروزانی را که او در دست گرفته بود به دست بگیرند تا به مقصد اهداف والایش -سوسیالیسم- برسند.

یادش گرامی باد!

آمادور نویدی

در فقدان و سوگ دکتر علی صادقی، از مبارزان پراسابقه و دبیرکل حزب رنجبران ایران

روز جمعه ۱۰ اسفند، رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) درگذشت. او انسانی فرهیخته، با محبت و بردبار بود. قبل از انقلاب حدود دو سال در زندان اوین (بند ۲، طبقه پایین) هم‌بند بودیم. گرچه دیدگاه‌های متفاوتی داشتیم، اما از گپ و گفت با هم دریغ نمی‌کردیم. اشتیاق فراوانی به بحث‌های تئوریک پایه‌ای داشت و اعتقادی عمیق به اندیشه‌های رفیق مائو. زنده‌یاد کاک ابراهیم ضد ارتجاع حاکم و مدافع آزادی و سوسیالیسم بود. فقدان او را به خانواده‌اش، به دوستان و

انقلابی در خارج به عنوان نماینده حضوری فعال داشت. در سال ۱۳۴۵ همراه گروهی از اعضای سازمان انقلابی جهت فراگیری شیوه جنگ پارتیزانی به کوبا اعزام شد. در بازگشت از کوبا، جهت آموزش‌های سیاسی و نظامی همراه گروهی راهی چین شد تا از نزدیک با تحولات چین توده‌ای آشنا گردد.

دکتر صادقی روشنفکری بود که از زندگی مرفهی که در اختیار داشت دست شست و در سال ۱۳۴۷ برای کمک به جنبش خلق کرد، همراه رفقاییش از راه ترکیه به آن دیار شتافت تا به گروه زنده‌یاد ملا آواره بپیوندد. او می‌توانست مثل خیلی‌ها در رفاه کامل زندگی کند، ولی این کار را نکرد و به خاطر آرمان‌هایش راه دیگری را انتخاب نمود؛ راه خدمت به زحمت‌کشان، دموکراسی و آزادی. صادقانه به راهی که پیش گرفته بود باور داشت؛ بهروزی زحمت‌کشان آرمانش بود و تا واپسین لحظه‌های عمر بدن باور داشت.

علی از جمله آن رزمندگانی بود که در کنار سیاست، به ادبیات نیز عشق می‌ورزید. گاه خود نیز شعری می‌سرود یا شعری از دیگران (به ویژه لاهوتی) زمزمه می‌کرد:

سر و رویی نتراشیده و رخساری زرد زرد و باریک چو نی...

آرش کمانگر

علی صادقی تصویری نمادین از یک روشنفکر انقلابی بود؛ از آن انقلابیونی که در قرن نوزدهم زیاد دیده می‌شدند: وظیفه‌شناسی صادق و داوطلب برای خطرناک‌ترین وظایف تشکیلاتی. او بی‌نهایت ساده می‌زیست. تواضع او نه از سر ادا و اطوار، که از فضلش سرچشمه می‌گرفت. با تمام این صفات، کاک ابراهیم عمیقاً فردی تشکیلاتی و عاشق طبقه کارگر بود. بدون اغراق می‌گفت: «تنها آرمان، آرمان پرولتاریاست و برای رسیدن به این آرمان، تشکیلات لازم است.» تشکیلات و آرمان پرولتاریا خونی بود که در رگ‌هایش همیشه جریان داشت.

علی در سال‌های پیش از انقلاب معتقد بود هر کاری که می‌کنیم، برای به اجرا درآوردنش باید به میان زحمت‌کشان در ایران برویم و حزب کمونیست ایران را در آنجا ایجاد کنیم. بدین خاطر در تابستان ۱۳۵۴ خود برای عملی کردن نقطه‌نظراتش پیش‌قدم شد و از راه افغانستان به ایران رفت. متأسفانه در مرز افغانستان دستگیر شد و بلافاصله زیر شدیدترین شکنجه‌های ساواک قرار گرفت، ولی هیچ‌گاه اسرار سازمانی‌اش را لو نداد و لب از لب نگشود. او را به مدت ۲۶ ماه در سلول انفرادی نگه داشتند. سرانجام با خیزش توده‌های مردم و گشودن درهای زندان، در بهمن ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد.



مائو نمی‌رسی که اسم او را می‌بری! او رهبر پرولتاریای جهان بود و یک جنگ بیست‌ساله و یک انقلاب کبیر را رهبری کرد... تو چه کردی؟ ما چه کردیم؟!»

سکوت سختی بر جلسه حاکم گشت و خوشبختانه این برخورد به خیر و خوشی تمام شد و بحث‌ها ادامه یافت؛ اما درسی که رفیق ابراهیم به من و قطعاً به سایرین داد این بود که نباید به دستاوردهای پرولتاریا، تلاش عظیم آن‌ها برای تغییر جهان و نقش بی‌بدیل رهبرانشان (با وجود تمام خطاها و انحرافات) حالا که شکست خورده‌اند، با شوخی و کنایه برخورد کرد.

چیزی که بورژوازی در تمام مبارزات توده‌ای و دوران انقلاب‌های پرولتری از طریق رسانه‌های عظیمش رواج داده و تا امروز ادامه دارد، نباید به ادبیات سیاسی نیروهای انقلابی راه پیدا کند. دوران جمهوری اسلامی و کمونیست‌زدایی آن کاملاً با کمونیست‌زدایی جریان مسلط بر جهان منطبق شد و پس از شکست کامل سوسیالیسم قرن بیستم، در میان نیروهای آلترناتیو و چپ ایرانی هم رواج پیدا کرد. خشم رفیق ابراهیم و دفاع او از مائو بر بستر مبارزه با چنین جریانی قابل بررسی و آموختن است. یادش سرخ و راهش پر رهرو

شهاب سیروان

حسن حسام

یاد عزیز رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) همواره سبز و پایدار است. کمونیست سخت‌کوشی که در تمامی عمرش برای رهایی، آزادی و برابری انسان، نیروی کار و زحمت مبارزه کرد. با هم بر سر مواردی توافق نداشتیم، اما به احترام زندگی سرشار از مبارزه و فداکاری‌هایش به پا می‌ایستم و کلاه از سر برمی‌دارم.

فرهاد شعبانی

خبر غم‌انگیزی بود. یادش گرامی. کاک ابراهیم در باور به اعتقاداتش پایدار و ثابت‌قدم بود. یادش گرامی.

سیاوش مدرسی:

مستقل از هر اختلاف نظری که با او داشتیم، همواره صمیمیت، صداقت، پایداری و مهربانی‌اش را ستایش کرده و می‌کنم! از صمیم قلب به خانواده و یارانش تسلیت می‌گویم.

علیرضا ساقافی خراسانی

با علی صادقی سال‌های ۵۵ و ۵۶ در زندان اوین بودم. گاه ساعت‌ها با هم قدم می‌زدیم و از نظراتمان می‌گفتم. او به شدت شکنجه شده بود و زخم‌های بازجویی بر بدنش و کف پاهایش مشهود بود. او همان‌گونه می‌زیست

جمع‌بندی از دهه‌ها فعالیت انقلابی در سطوح مختلف بود. او که در جنبش انقلابی به طور دائم فراخوان تشکیل یک حزب کمونیست واقعی را از اتحاد نیروهای چپ و انقلابی می‌داد، بر ضرورت اصلی انقلاب تأکید می‌کرد. هرچند خود او در شرح صورت‌بندی و محتوای چنین حزبی ناروشن بود و حداقل اینکه نتوانست امکانی برای نزدیکی نیروهای دیگر فراهم سازد، اما تأکیدش بر این ضرورت، اهمیت فراوانی داشت.

اهمیت اصلی آن در برابر رویکرد نیروهای ضد حزب یا در تقابل با نیروهایی بود که حزب ناکارآمدشان را محمل تمام پاسخ‌های جنبش می‌دانستند. در واقع تأکید رفیق ابراهیم با تجربه‌ای که از دوران پرولتاریا در قدرت، درس‌های مثبت و منفی احزاب کمونیست حاکم، شکست سوسیالیسم در شوروی و چین و نهایتاً درس‌هایی که از شکست انقلاب ایران داشت، انعطافی بود که کمونیست‌ها باید برای درک آنچه در تاریخشان گذشته و بازسازی آینده داشته باشند.

پایداری رفیق ابراهیم تنها به تأکید بر ساختن یک حزب کمونیست جدید محدود نبود، بلکه به ضرورت «تداوم و گسست» اشاره داشت و به شدت با انحلال طلبی رایج در میان نیروهای انقلابی مخالفت و مبارزه می‌کرد. رفیق ابراهیم ضمن نقد آنچه در تجربه انقلاب‌های پرولتری قرن بیستم گذشته بود، بر اتکا به دستاوردهای فناپذیر پرولتاریا تأکید فراوان داشت و با نیروهایی که دستاوردهای پرولتاریا را همراه با انحرافات آن به دور می‌ریختند (به قولی بچه را با آب تشت دور می‌ریختند) برخورد می‌کرد. شاید این حقیقت‌جویی و رویکرد صحیح به تاریخ و سیاست، از تجربه این رفیق در جمع‌بندی از انحرافات تشکیلات خودش بعد از شکست انقلاب ایران و نقدهایی که به خط انحرافی خودشان وارد کردند برخاسته بود. به یاد دارم که در جلسه‌ای، رفیق ابراهیم پشت تریبون در حال سخنرانی بود و صحبت‌هایش عمده‌تاً تکرار مواضع کلی و همیشگی‌اش (یعنی ساختن یک حزب کمونیست جدید حاصل از اتحاد نیروهای انقلابی موجود) بود. صحبت او طولانی و کمی از حوصله جمع خارج شد. رفیقی از یکی از جریانات سیاسی به حالت شوخی و برای زدودن کسالت جمع، صحبتی کنایه‌وار راجع به مائو تسه دون کرد که برخی از حضار را به خنده واداشت.

رفیق ابراهیم در حال بازگشت به جای خود کمی عصبی به نظر می‌رسید؛ وقتی بر جای خود نشست، طاقت نیاورد و با عصبانیت صحبت سخنران بعدی را قطع کرد و با خشم به آن رفیقی که شوخی کرده بود گفت: «تو حتی به اندازه ذره‌ای هم به گرد پای

ابراهیم هم گفت با برادرش به سوئیس زنگ زده و می‌خواست پولش را بدهد اما من قبول نکردم. گفت: «ببین کاکا، تو داری منو فاسد می‌کنی! بین من و اون رفیق فرق می‌ذاره و من یواش‌یواش انتظار پیدا می‌کنم که همه بین من و دیگران فرق قائل بشن.» برخورد آگاهانه‌اش به موضوعی به این «بی‌اهمیتی»، درسی بود برای من که هنوز سعی می‌کنم از آن بیاموزم.

به یاد رفیق ابراهیم (علی صادقی) – ۹ مارس

۲۰۱۹

در اخبار خواندم و پیام‌های تلفنی رفقا را شنیدم که «کاک ابراهیم» درگذشته است. تجربه آشنایی من با او عمدتاً به دوره فعالیت کمیته جوانان بلژیک در نشست احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست بازمی‌گردد که از طریق رفیق درگذشته دیگری، یعنی بهزاد کاظمی عزیز انجام شد. قطعاً به اندازه رفقای هم‌رزم و هم‌دوره او غنی نیست، اما در طول همین دوره کوتاه و دیدارهای چندی که داشتیم، نقش یک کمونیست سرخ از او در خاطر من بسته شد. فارغ از تفاوت‌های خطی و نگاهی که به استراتژی انقلاب و... در میان بود، دو درس اساسی از رویکرد رفیق ابراهیم به مبارزه انقلابی را باید تکرار و تکرار کرد: ۱- پویایی و تواضع در برخورد با جوانان: کاک ابراهیم در برخوردش با جوانان فوق‌العاده پویا و حساس بود. با تفاوت بسیار نسبت به دیگر هم‌دوره‌ای‌هایش که با احتیاط برخورد می‌کردند، تلاش بسیار می‌کرد که به محض برقرار شدن اعتماد دوطرفه، تمام داشته‌ها و تجارب خود را با جوانان در میان بگذارد و راهی برای هم‌فکری و همکاری بگشاید. در واقع وقتی رفیقی را در صحنه مبارزه می‌دید، مسئله سن و سال و زن و مرد برایش علی‌السویه می‌شد و مسئله‌اش این بود که چگونه باید با هم فعالیت انقلابی را آغاز کنیم!

قطعاً این روحیه حاصل تجارب دوره جوانی این رفیق و نسلی بوده که تصویر به زیر کشیدن سرمایه‌داری را تجربه کرده بودند. در یکی از برخوردهای اولیه، من که جوان بودم رفتم و با کاک ابراهیم احوال‌پرسی کردم؛ با روی گشاده و شوخ‌طبعی همیشگی‌اش پاسخ داد: «ما رفیق هستیم و مرا رفیق ابراهیم خطاب کن، کاک ابراهیم را این پیر و پاتال‌ها می‌گن...» و با حوصله فراوان گوش به طرح‌های بلندپروازانه من و دیگران می‌سپرد و متواضعانه آن‌ها را در کنار تجارب بسیار غنی و پر بار خودش از دوران مبارزه طبقاتی در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی بررسی می‌کرد.

۲- پایداری، تداوم و گسست: رفیق ابراهیم

پایدار بود و اصرارهای سالیان اخیرش مبنی بر ایجاد یک حزب سیاسی نوین، حاصل



شعری بیاد رفیق علی صادقی



تو نغمه خوان درد بودی

در سیرِ شبانگاهی،

در پیچ واپیچ ها

و در دالان های انتظار.

تو سرودخوان مقاومت بودی

در تخت های بسته شده،

زیر باران های سیاه مارهای چندسر،

با پاهایی آماس کرده،

در زنگِ تفریحِ کرم های سیاه

از دیوانگی و جهالت.

تو معلم ما بودی،

سرودخوان عشق و آزادی.

از جویبارهای خستگی و نشستن

با سینه ای ستبر گذر کردی.

گذارِ زمان به گدازه هایی از آتش بدل شد،

آن گاه که با گردسوزها روشنایی را می افروختی.

سقوط تو امید کرکسان شب بود

در کمرکش جاده،

وقتی که تفکر را به ارمغان می بردی.

سرود تو با شیارهای جوهر سیاه خوانده شد؛

تو دیگر نیستی، اما

سرودخوانان جوان، پا در راه، سرود می خوانند.

تا چین را با یک هواپیما رفت و بعد سوسیال دموکراسی غربی و مجاهد را یکی کرد، جایی برای ادامه حیاتش نیافت جز سنگر اصلاح طلبان. حال آنکه صادقی هر چه بود، مد زمانه او را به رقص و گردش درنیاورد.

هلمت احمدیان:

متأسف شدم و از صمیم قلب جان باختن کاک ابراهیم، از چهره های سرشناس جنبش کمونیستی را به همزمان و خانواده اش تسلیت می گویم.

عباس منصوریان

یاد رفیق علی صادقی گرامی باد. با هم قرار داشتیم گفتگویی پیرامون کتاب ارزنده و تازه ترجمه شده ایشان که هدیه داده بود داشته باشیم. او همواره در رزم و سنگرهای مبارزه طبقاتی زنده است.

پیروز طاهری

یاد رفیق گرامی، کاک ابراهیم (دکتر صادقی) گرامی باد. کاک ابراهیم کمونیستی صادق، مصمم و باورمند بود. دکتر ابراهیم انسانی رئوف، مهربان، خوشرو و یاری رسان بود و دوست داشت کمونیست ها هم پسته باشند. او طرفدار جبهه مشترک کمونیست ها بر ضد رژیم سرمایه داری اسلامی بود.

دکتر ابراهیم در کردستان عراق به خیلی از آدم های منفرد چپ کمک کرد تا آن ها را به خارج از کشور بفرستد، یا حزبش پناهگاه دوستان چپ منفرد بود. یادش گرامی و افسوس که در میان ما نیست. غم آخر برای خانواده و دوستانش باشد.

Firoz Taheri

yade rafiq gerami kak ebrahim) doktor sadeghi (gerami bad.kak ebrahim komunisti sadegh va mosammam va bavarmand bood.doktor ebrahim ensani raof va mehreban va khoshroo va yariresan bood va dost Dasht komunistha mibayest hambasteh bashand va tarafdare jobheye moshtarake komunistha bar zedde regime sarmayedariye eslami bood. dokter ebrahim dar kurdestane Iraq be kheili az adamhaye monfarede chap komak kard ta anha ra be kharej az keshvat beferestad ya hezbash panahgahe dostane chape monfared bood.yadash gerami va afsoos ke dar miane ma nist.ghame akhar baraye khanevadehash va dostanash.

که فکر می کرد. در بازجویی ها از اهدافش و از سازمان انقلابی که به آن تعلق داشت دفاع کرده بود و این امر باعث عصبانیت بیشتر بازجوها شده بود.

تحصیل کرده رشته فیزیک بود و قطعاً اگر می خواست به زندگی شخصی بپردازد، می توانست کرسی در دانشگاه و زندگی خوبی داشته باشد. اما او به مردم عشق می ورزید و به آنچه می گفت اعتقاد داشت. یادش گرامی باد.

ابی مالک

زنده یاد رفیق کاک ابراهیم انسان بزرگی بود؛ او یک کمونیست راستین بود، هیچ گاه دروغ نمی گفت، حرف و عملش یکی بود، از منتها درجه تواضع و فروتنی برخوردار بود و در سخت ترین شرایط زندگی و سرخوردگی دیگران، میدان مبارزه را ترک نکرد. شیوه تفکر و زندگی او الهام بخش بسیاری از مبارزین راه آزادی است. یادش گرامی باد. این رفیق بزرگ، در عین اینکه یکی از خدمت گزاران جنبش کمونیستی ایران در پنجاه سال گذشته بود، آموزگاری برجسته برای زحمت کشان نیز بود. یادش گرامی باد.

مصطفی عزیزی ۲۰۱۹ / ۳ / ۳۰

انسان هایی هستند که تمام زندگی شان را وقف انسان های دیگر می کنند. هیچ کس بدون اشتباه نیست، اما نیت و انگیزه درونی آدم ها اهمیت بسیار زیادی دارد. علی صادقی مشهور به کاک ابراهیم، یکی از این انسان ها بود که چند روز پیش پس از عمری تلاش برای ساختن جامعه ای که در آن زحمت کشان و کارگران استثمار نشوند، کوله بار بر زمین گذاشت و آسودگی جاودان پیشه کرد.

روز یکشنبه (پس فردا) ساعت ۲ تا ۵ عصر مراسم یادبودی برای او در مرکز اجتماعات تورن هیل برگزار می شود. ضمن تسلیت به یار دیرینه اش محسن رضوانی و سایر رفقا، دوستان و خانواده گرامی اش، با شرکت در این مراسم قدردان عمری مبارزه و فداکاری باشیم.

بیژن پویا

علیرغم اشتباهاتی جدی که داشت، متفکری مارکسیست-لنینیست، مؤمن به پیمودن راه کمونیستی خود، و محکم و استوار در مبارزه طبقاتی بود... یادش گرامی و راهش پر رهرو باد...

امیر عباس آذرmond

یادش گرامی. اولین بار نام او را در کتابی از مهدی خانبابا تهرانی خواندم. چقدر نسبت به او برخورد زشتی داشت! چون پای اصولش مانده بود مسخره می شد، ولی او که از مسکو



پیام همسر و دختر رفیق علی صادقی

با تشکر از برگزارکنندگان مراسم یاد بود (حزب رنجبران) که به مناسبت درگذشت یار ارزشمند مان علی عزیز ترتیب داده شده، ما (خانواده علی)، متأسف هستیم که در آن شرکت نداریم تا حضورا از این جمع دوستان تشکر کنیم، ولی حقیقت اینست که می خواستیم خاطره آخرین باری که همراه با علی و به مناسبت سالروز تولدش در جمع دوستان او بودیم را، بعنوان آخرین خاطره از این جمع به یاد بسپاریم.

با افتخار و منتهای تواضع از اینکه این امکان را داشتیم که سالهای سال در کنار انسانی پاک، شریف، خالص و صادق و شخصیت والایی مثل علی زندگی کنم، وظیفه خودم میدانم که خصوصیاتیرا که در زندگی عادی مان شاهد بودم بیان کنم تا در یادبودش تصویر همه جانبه تری از او داشته باشیم.

البته ساده نیست که راجع به این مطلب بنویسم، و در عین حال خلاصه بنویسم و دچار عام گویی نشوم ولی، دوستان و حتی غیر دوستانی که با او در تماس بوده اند حتما نمونه های از آنچه من ادعا می کنم در خاطرشان دارند.

در شعری از مولانا، علی را به وضوح می بینم؛

«غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است»

علی انسانی وارسته و بی نیاز بود و رزق و برق دنیا هیچوقت او را از راهی که درپیش گرفته بود فریب نداد و باز نداشت.

قلب علی از شعله های عشق به زحمتکشانش می سوخت و حس عدالت خواهی اش در بیشتر مواقع ضد موجودیت اش عمل می کرد. احساس همدردی با آنها که بیشترین درد را در جامعه متحمل اند، زندگی را برایش دردناک کرده بود.

پایداری و استقامت بر سر آنچه اصولش میدانست، و نرمش و آموزش از آنچه تغییر پذیر بود و فراگیرنده، از صفات برجسته دیگر او بودند.

علی سخت کار و متحمل بود و حرف و عمل اش در هماهنگی با هم بودند. پدیده ای که به سادگی می تواند به عکس خود تبدیل گردد بخصوص در شرایطی که هدف بزرگ تر از آن باشد که در ذهن بگنجد.

تیز هوشی و زکاوت علی تنها حربه اش برای درک پدیده ها نبود بلکه با احساس قوی که داشت در بسیاری از مواقع وقوع جریانات را حدث می زد یا حس می کرد.

علیرغم آنکه علی زندگی اش را از ابتدای جوانی در راه هدف های سیاسی اش گذاشته بود ولی در زندگی مشترک ما همیشه یار و یاورى مهربان و از خودگذشته بود؛ دوستی با وفا و مشوق، و پدری مسعول، دلسوز و مهربان بوده و همچون تکیه گاه استواری در فراز و نشیب های زندگی به ما امکان داد تا دوباره برخیزیم و به راه ادامه دهیم.

مرمرصادقی - میترا صادقی.

پیام محسن رضوانی

امروز سی و یکم مارس ۲۰۱۹

در تورنتو گرد آمده ایم تا یاد رفیق گرامی خود کاک ابراهیم را گرامی بداریم. بسیار با ارزش است این نشست که زن و مرد از گرایش های گوناگون چپ و کمونیستی شرکت دارند و آنهایی هم نتوانستند حضور یابند، از راه دور پیام های همبستگی و همدردی خود را ارسال داشتند

دکتر علی صادقی از نسل های قبل از کودتای بیست و هشت مرداد سی و دو است که از همان نو جوانی به سازمان جوانان دمکرات حزب توده پیوست، سپس به حزب توده ایران و در اوایل دهه ی چهل همراه دیگر اعضای حزب توده با بریدن از رهبری حزب و نقد مشی رفرمیستی و بی عملی آن در ایجاد سازمان انقلابی حزب توده شرکت کرد. او به نمایندگی از واحد تشکیلات سازمان انقلابی فرانسه در کنفرانس اول سازمان که در تیرانا پایتخت آلبانی تشکیل شد شرکت کرد. این آغازی شد برای شش دهه مبارزه ی پیوسته مخفی و علنی، در شهر وروستا، در زندان زیر شکنجه، مسلمان آمیز و با قلم و قهر آمیز و با تفنگ برای

سازماندهی حزب انقلابی پیشرو کارگری مسلح به کمونیسم علمی، در پیوند با جنبش های کارگری، خزی که بتواند خط مشی خود را در تلفیق اصول عام خود با شرایط مشخص ایران پایه ریزد و صحت و سقم آنرا در عمل بی آزمایشد. رفیق ابراهیم کادری پیشرو در این زمینه بود و در اندیشه و عمل انقلابی برای پیشبرد این وظیفه ضروری تاریخی شرکت فعال تمام عمری داشت.

یکی از برجسته ترین خدمات او در هنگامی جنبش چپ و کمونیستی ایران دچار انحلال طلبی و فرقه گرایی پس از سرکوب دهه ی شصت شد، او همچنان استوار به دفاع از دستاورد های جنبش پر افتخار کارگری ایران و جهان بر خاست و با قلم تند و تیز خود به افشای روزیونیسم و رفرمیسم که کل کمونیسم را نفی می کردند پرداخت.

او هنگامی که ما را ترک کرد، در آخرین لحظات زندگی سفارش می کرد رفقا در این اوضاع خوب جنبش کارگری ایران، در این اوضاع در حال تکامل انقلابی در ایران وظیفه مرکزی حزب را فراموش نکنید: تمرکز قدرت حزب برای یکی شدن و وحدت کمونیستها در پیوند با جنبش کارگری و از این طریق پاسخ به ضرورت تاریخی و مبرم انقلاب سوسیالیستی در پیش رو ایجاد حزب کمونیست متحد و پای در عمل ایران است.

یادش گرامی باد و راهش پر ره رو

محسن رضوانی



اطلاعیه به مناسبت پیام‌های تسلیت

گزارش مراسم یادمان رفیق علی صادقی در (هامبورگ آلمان و تورنتو کانادا)

پایان بخش این یادمان، بخش میکروفون آزاد بود که طی آن برخی از رفقا و حاضران جملاتی در وصف رفیق علی بیان کردند. در نهایت، برنامه با تشکر مجدد از دوستان و رفقای حاضر به پایان رسید.

گزارش مراسم یادمان رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) در تورنتو کانادا

در بعدازظهر یکشنبه ۳۱ مارس ۲۰۱۹، جمعی از رفقا و دوستان از تورنتو، مونترال و واشنگتن گرد هم آمدند تا در نشستی که از طرف حزب و با هماهنگی تشکیلات آمریکای شمالی «حزب رنجبران ایران» به یاد رفیق علی صادقی برگزار شده بود، شرکت کنند.

در فضایی بسیار رفیقانه، رفقای کاک ابراهیم (علی صادقی) از منش و رفتار او سخن گفتند و بر بیش از شصت سال مبارزه ایدئولوژیک و تئوریک او برای پاک نگه داشتن کمونیسم علمی از انحرافات رویزیونیستی-با هدف ایجاد یک حزب انقلابی و پیشرو پرولتری-تأکید کردند؛ وظیفه‌ای که رفیق ابراهیم تا آخرین دقایق زندگی به آن وفادار ماند.

در این نشست، ویدیویی ۴۳ دقیقه‌ای از مصاحبه‌های رفیق ابراهیم پخش شد که دیدگاه‌های او را درباره حزب‌سازی، نقش اصول هدایت‌کننده حزب، اهمیت طبقه کارگر و ضرورت پیوند کمونیست‌ها با مبارزات جاری کارگری به تصویر می‌کشید.

اهمیت این یادبود در آن بود که شرکت‌کنندگان از گرایش‌های سیاسی مختلف در آن حضور داشتند و با گرمی و احترام از رفیق ابراهیم یاد کردند.

گزارش مراسم یادمان رفیق علی صادقی در (هامبورگ آلمان)

بر اساس فراخوان حزب و به همت رفقای هامبورگ، مراسم یادبود رفیق علی صادقی در ۱۷ مارس ۲۰۱۹ در شهر هامبورگ برگزار شد.

مراسم با خوش‌آمدگویی مجری آغاز شد و حاضران به یاد رفیق علی یک دقیقه سکوت کردند. سپس سکوت جلسه با طنین سرود انترناسیونال توسط رفقا شکسته شد. در بخش بعدی، پیام «ایکور» توسط رفیق یوآخیم خوانده شد.

سپس رفیق طاهر به نمایندگی از حزب به ایراد سخن پرداخت. او به تشریح زندگی سیاسی رفیق علی از گذشته تا به امروز، از جمله فعالیت‌های تئوریک، مقالات، دیدگاه‌ها، کتاب‌های ترجمه و تألیف‌شده توسط وی اشاره کرد. همچنین به مبارزات او در رویارویی با سرمایه‌داری و دفاع از کارگران، زحمتکشان و تشکیلات کمونیستی پرداخت. رفیق طاهر به تأثیر نظرات او در جمع‌بندی جنبش کمونیستی اشاره کرد و برخی از دیدگاه‌های وی را درباره اصول راهنمای حزب، حزب‌سازی، پیوند جنبش کارگری-کمونیستی و ایجاد حزب واحد کمونیست برشمرد.

در بخش دوم برنامه، رفیق باقر مرتضوی درباره پیگیری، سرسختی و پیشرو بودن رفیق علی در مبارزه و باور عمیق او به کمونیسم و تشکیلات صحبت کرد. پس از آن، رفیق سیامک مؤیدزاده درباره دوگانگی برخورد با افراد قبل و بعد از مرگشان سخن گفت و یکی از شعرهایی را که رفیق علی همواره می‌خواند قرائت کرد. در فواصل برنامه نیز پیام خانواده رفیق علی و پیام رفقای ایران قرائت شد.

حزب رنجبران ایران از تمامی رفقا و دوستانی که با ارسال پیام‌های شخصی و تشکیلاتی در یادبود رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) همدردی خود را ابراز کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند. همبستگی شما در فقدان این رفیق کمونیست، نشانی از آینده روشن و متحد طبقه کارگر و ستم‌دیدگان جامعه در برابر رژیم سفاک و خون‌آشام سرمایه‌داری است.

به همین مناسبت، صدها پیام از سراسر جهان به دفتر نشریه «رنجبر» رسید که به دلیل محدودیت فضای این شماره، تنها بخشی از آن‌ها بدون هیچ اولویت‌بندی یا ترتیب الفبایی منتشر شده است.

ما کمونیست‌ها همواره در سخت‌ترین شرایط سرکوب، تبعید، شکنجه و زندان به مبارزه علیه رژیم‌های سرمایه‌داری ادامه داده‌ایم. گسترش مبارزه طبقه کارگر در سطح ملی و بین‌المللی گواهی می‌دهد که ناقوس مرگ سرمایه‌داری به دست گورکنانش به صدا درآمده است. این مسیر دشوار و تقدیم هزاران جان‌باخته، گواهی است بر اراده طبقاتی ما برای پایان دادن به ستم و استثمار. این کارزار، نبردی تاریخی و نقطه عطفی برای رهایی کارگران، زحمت‌کشان و کل جامعه بشری از سیستم نابرابری است.

گرچه امروز رفیق ابراهیم در میان ما نیست، اما این جنبش با فقدان مبارزانی چون او باز نمی‌ایستد. هزاران کمونیست دیگر برای ادامه این نبرد تاریخی پا به عرصه گذاشته و جای خالی رفقای جان‌باخته را پر خواهند کرد.

راهشان پررهرو و یادشان پاینده باد!

حزب رنجبران ایران

با نشانی‌های زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخوانید:

آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:

ranjbaran.org@gmail.com

آدرس غُرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org

بجز نوشته‌هایی که با امضای تحریریه منتشر می‌گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می‌باشد، دیگر نوشته‌های مندرج در نشریه رنجبر به امضای فردی است و مسئولیت آن‌ها با نویسندگان نشان می‌باشد.

